

عقل اشراتی و عقل تحصیلی

پیوند علم و دین

www.ketab.ir

مرکز تحقیقاتی جوادالائمه علیه السلام

تالیف: مهدی احدی

مهدی احدی

عقل اشراقی و عقل تحصیلی / پیوند علم و دین، ۱۳۹۱

۱۲۰ ص.

ISBN - 978-964-5660-50 - 3

فهرست: نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

چاپ اول: ۱۳۹۱

۱. عقل (اسلام الف. عنوان.

۱۳۹۱/۲۱۵/۳۷۳عالف /

کتابخانه ملی ایران

۴۲/۲۹۷

نام کتاب: عقل اشراقی و عقل تحصیلی - پیوند علم و دین

مؤلف: مهدی احدی

ناشر: سید جمال الدین اسدآبادی

شمارگان: ۲۰۰۰

قطع/صفحه: رقعی/۱۱۶ص

چاپ: یازدهم

نوبت چاپ: نخست

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۱

بها: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۶۰-۵۰-۳

کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز تحقیقاتی آموزشی جوادالائمه علیه السلام می باشد.

مرکز پخش: قم، خیابان ارم کوچه ۱۶ پ ۲۸

تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۷۱۶۳-۴

سایت: WWW.Emamjavad.com

فهرست تصحیح شد

۱۰	 پیشگفتار
۱۰	 تفاوت عقل تحصیلی و اشراقی
۱۳	 ارزش عقل تحصیلی از دیدگاه اسلام
۱۴	 ارزش عقل اشراقی از دیدگاه اسلام
۱۸	 اعتلای حیات معقول هدف عقل اشراقی
۲۳	 محفل سیدالشهداء علیه السلام مهم ترین جاذبه کمال
۲۴	 قدرت در عقل اشراقی
۲۶	 ویژگی های قدرت
۲۶	 ۱- ارزش ذاتی قدرت
۲۷	 ۲- قدرت و شکست ناپذیری
۲۸	 ۳- قدرت و مدیریت انسان
۲۹	 قدرت اختاری و غیر اختیاری
۳۰	 ۴- قدرت مالکیت نفس
۳۴	 کشف راز حیات
۳۶	 منشأ راز حیات
۳۶	 ۱- تازه و نو شدن سلول ها در هر لحظه
۳۸	 ۲- هنر، و زیبا دیدن
۴۰	 ۳- تبدیل جماد به حیات
۴۰	 ۴- رسیدن انسان به کمال
۴۳	 ویژگی راز حیات
۴۶	 انسان مؤمن؛ سرچشمه حیات
۴۹	 سیر حیات اشراقی در رسیدن به حق
۵۵	 مراتب هفت گانه حق
۵۷	 راه های رسیدن به حق
۵۷	 ۱- ادراک حسی (نشئه حس)
۵۸	 ۲- ادراک برزخی (نشئه برزخ)
۶۱	 حالات سه گانه اجسام در فیزیک
۶۵	 ۳- ادراک عقلی (نشئه عقل)
۶۷	 نیروی سعادت در عقل اشراقی
۶۸	 ۱- سعادت؛ یعنی خوشبختی (دیدگاه عرفی)

۲- سعادت؛ یعنی غرق شدن در لذات دنیوی (دیدگاه غربی ها)	۷۱
۳- سعادت؛ یعنی رسیدن به کمال وجود (دیدگاه اسلام)	۷۳
انشاءات سه گانه نیروی سعادت در انسان	۷۴
نتیجه بحث نیروی سعادت	۷۸
مبانی تربیت دینی در عقل اشراقی	۸۲
دو سوال مهم در تربیت دینی (اشراقی)	۸۲
تفاوت تربیت در عقل اشراقی با عقل تحصیلی	۸۶
دو سوال در تربیت تحصیلی	۸۶
شش سوال در مبانی تربیت دینی (اشراقی)	۸۷
مدیریت در حرکت و مراحل آن	۹۰
۱- یاد گرفتن قاعده مدیریت	۹۰
۲- تأثیر اقلیت؛ در حیات معقول جامعه	۹۳
۳- مدیریت کمال فته	۹۴
۴- عشق افراطی: نبود کننده مدیریت	۹۵
۵- لزوم جهان بینی والا در مدیریت	۹۶
۶- جایگزین نکردن علم و ابزار به جای تکامل نفس	۹۶
۷- تحصیل مدیریت در متن حوادث و سستی	۹۷
مدیریت حرکت در عقل اشراقی	۹۸
مدیریت حرکت و نقطه تنهایی	۱۰۴
برخی از ویژگی های یاوران مهدی علیه السلام در روایات	۱۰۶
۱- شناخت حق و توحید کامل	۱۰۶
۲- دل های محکم و استوار	۱۰۹
۳- خشیت الهی و تهجد	۱۰۹
۴- حامی امام و عدم تزلزل	۱۱۰
۵- مطیع کامل در اطاعت از امام علیه السلام	۱۱۰
۶- معروف نزد فرشتگان و ناشناخته در نزد زمینیان	۱۱۰
۷- شجاعت و بی باکی	۱۱۱
منابع و مأخذ	۱۱۲
فهرست آیات	۱۱۴
فهرست روایات	۱۱۸

www.ketab.ir

پیشگفتار

تفاوت عقل تحصیلی و اشراقی

به نظر ما می‌رسد امتیاز این دو عقل در متن تحصیلات و اخلاق و سلوک معنوی خودش را نشان می‌دهد و روند اندیشه‌های محدود معمولی را در پرتو عقل تابان پُرفروغ و بالنده می‌سازد.

امروزه عقل تحصیلی بشر را به سوی معبد و پرستش برده است. معبد دانشگاه و مجسمه‌اش علم بود و در راستای هدف و انگیزه خاصی قرار گرفت و هر کس گوشه‌ای را روشن کرد، «ماکس پلانک» تحولی در فیزیک ایجاد کرد و «ارسطو» در بخش‌های فلسفی گوشه‌ای از فکر را روشن کرد و زمانی به افراطی‌گری رسیدند تا جایی که حیات را در برهنگی و موی مشک‌بوی برآق و زلف پسر، یا اینکه دختر را در عنوان مقدس بنام «عشق» تقدس بخشیدند اینجاست که در قرن بیستم پی‌یرو سو می‌گوید: ورشکستگی علم اعلام شد.^۱

به نظر ما علم ورشکست نشد، هدف و وسیله فراموش شد. علم به بشر خدمت کرد و سرمایه‌ی کلان خود را در اختیار انسان‌ها گذاشت، بسیاری از دانشمندان در راه دانش واقعی و اهداف اصلی‌اش فداکاری کردند، حیات و فلسفه آن و ابعاد مختلف شخصیتی فرد و جامعه را از درون علم استخراج کردند و مقبول ابن سینا به بشر، ربونیت بخشیداند. «کاد ان یكون رباً انسانياً»^۱

پس به نتیجه می‌رسیم که امتیازات زیادی است که اگر شناخته شود دانش از حریم خود خارج نمی‌شود. و آن عبارتند از:

«عقل تحصیلی» چراغ راه یافتن مجنولات حیات است ولی عقل اشراقی مشعل فروزان حیات را در لای قله‌ی ابدیت نصب می‌کند.

«عقل تحصیلی» بارقه‌ی امید را در دل دانشجو می‌دمد و او را به اراده زندگی مادی راهنمایی می‌کند ولی «عقل اشراقی» مدیریت معنوی و تقدس بخشی به زندگی مادی را نشان می‌دهد زیرا رابطه مقدس و الهی را بین زندگی مادی و عالی‌ترین هدف هستی برقرار

۱. عاشوراء نمودی از تناسب هدف و وسیله، علامه محمدتقی جعفری ص ۲۲۹

می‌سازد. غریزه جنسی را در محیط اشباع خارج، و در بستر مودت و رحمت و دوستی ماورائی می‌برد. تا جایی که معانی بشر را به ارواح معانی آشنا می‌کند.

آری، عقل تحصیلی بشر را به فرمولهای موقت و منقطع از افق والای دمانی می‌برد چند روزی نظر یک دانشمند را بر زبان‌ها جاری می‌سازد آن گاه در دفتر تئوری بایگانی می‌شود. ولی عقل اشراقی محدود به علم و زمان نیست بلکه فراتر از زمان حرکت می‌کند، و از مسیر نور علمی به نور معنوی، و اکتشاف علمی به اکتشاف ایمانی و ماورائی خارج می‌سازد و مصداق آیه «يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» بقره/۲۵۷، می‌گردد.

ترجمه: آنان را از تاریکیها به سوی روشنائی به در می‌برد.

در آخرین عبارت، در شب‌های عشق، آن جا که نهال زندگی کاشته می‌شود درخت تنومند حیات معقول در صورتی از آن نهال، دست به دست می‌گردد و مرتب شاخه به شاخه می‌زند که از گذرگاه علم و دانش به دین و ایمان و باورهای فطری و شکوفا سازی عقلانی برسد. وگرنه، همچون ناسوتیان زندگی می‌کند و می‌پوسد و

همواره در قالب فرضیه باقی خواهد ماند و به گذرگاه

ابدیت و جاودانگی نخواهد رسید.

ارزش عقل تحصیلی از دیدگاه اسلام

تعبیر بسیار شگفت انگیز از رهبران اسلام درباره عقل شده است.

۱. پیامبر اسلام ﷺ درباره علت نامگذاری عقل می‌فرماید: عقل، پای جهل را می‌بندد و نمی‌گذارد وارد حریم آدمی شود. «إِنَّ الْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ»^۱ بدرستی که عقل نگه دارنده آدمی از نادانی است.

۲. استعاذه از شیطان و سرزنش مایش بسیار در قرآن و حدیث آمده است، اما استعاذه از بیسوادی^۲ نشنیده‌ایم، علی‌علیه می‌فرماید: نگذارید عقل بخوابد، عقل را تعطیل نکنید از تعطیلی خرد به خدا پناه می‌برم. معلوم می‌شود که عقل تحصیلی از توفیق الهی است. «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ»^۲ سبات به معنای خوابیدن و تعطیل شدن است. هرگز عقل را به تعطیلی نبرید.

۳. تحصیل با عقل گره می‌خورد، نیروهای بدن هر کدام تحت

۱. بحار الانوار، ج ۱ ص ۱۱۷

۲. نهج البلاغة، خطبه ۲۲۴

فرماندهی عقل اند اگر عقل آدمی به دانش گره بخورد حجت دز معارف و علوم و اندیشه های نوین خواهد بود. از این رو امام کاظم علیه السلام می فرماید: «التَّعَلُّمُ بِالْعَقْلِ يُعْتَقَدُ وَ مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ بِالْعَقْلِ»^۱ یادگیری با عقل گره خورده است و شناخت دانش بوسیله عقل خواهد بود.

امام صادق علیه السلام به فضل فرمود: ای مفضل کسی که عقل ندارد به رستگاری نمی رسد. کسی که دانش را فرا نگیرد عقل ندارد. «يَا مُفَضَّلُ، لَا يُفْلَحُ مَنْ لَا يَعْقِلُ، وَ لَا يَعْلَمُ مَنْ لَا يَعْلَمُ»^۲

ارزش عقل اشراقی از دیدگاه اسلام

عقل اشراقی فقاہت می بخشد و تحصیلات آدمی را انگیزه الهی می دهد. اگر پزشک دز کنار علم تشریح به خدا نرسد و در خداوند فانی نشود او فقه پزشکی را نمی داند. و اگر علم شیمی و فیزیک و ریاضی از کشف از فرمولهای جهان و طبیعت برای دانش آموزان بگوید ولی آنان را به مبدأ حرکت ها و فاعل اولی آن رهنمون

نسازد تعلیم و تربیت در حوزه‌ی درس آموختند ولی خالی از فهم و ادراک هستند، به همین خاطر حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«وَلَا تَكُونُوا كَجُفَاةِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا فِي الدِّينِ يَتَفَهَّمُونَ وَلَا عَنِ اللَّهِ يَعْقِلُونَ»^۱ همانند ستمکاران دوران جاهلیت نباشید که نه در دین اندیشه می‌کردند و نه از خداوند عقلی دریافت می‌کردند. لذا در جای دیگر فرمود: کجایند عقل‌هایی که با چراغ‌های هدایت روشن گشته‌اند. «إِنَّ الْمُؤْمِنَ اسْتَصْبَحَ بِهِ مِصَابِيحُ الْهُدَى»^۲

براستی حکمت آزاد نیست، درت خانه هرکس نمی‌خوابد، باید با عقل دینی و سلوک عقلی آن را از انبازن وحی و معارف اهل بیت علیهم السلام گرفت. علی علیه السلام فرمود: «بِالْعَقْلِ اسْتَخْرَجَ غَوْرُ الْحِكْمَةِ وَ بِالْحِكْمَةِ اسْتَخْرَجَ غَوْرُ الْعَقْلِ» به سبب عقل ژرفای حکمت را استخراج می‌کنید و سبب حکمت، ژرفای عقل را بیرون می‌کشید.

۱. نهج البلاغة، خطبه ۱۶۶

۲. نهج البلاغة، خطبه ۱۴۴

رابطه عقل و حکمت، رابطه طولی است، حکمت از منظر بعثت در طول عقل است. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا، وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» جمعه ۲/ و چون بعثت انبیاء در طول عقل است، بدون یکدیگر به نتیجه نخواهید رسید.

آری، عقل اشراقی همان عقلی است که خداوند اوامر کرد: «اقبل»، روی بیاور، «قاتل»، پس او روی آورد. این چه اقبالی است که خداوند از او خواسته است؟ یقیناً، روی آوردن به بالاترین درجه انسانی و خارج شدن از منازل جسمانی و طبایع تاریک، رساندن عقل تحصیلی را به سوی بندگی در جهت بلند آسمان است. و وقتی به عقل گفت: «ادبر» پشت کن، عقل پشت کرد. از چه پشت کرد؟ از گناهان، زوال و نابودی بشر، و بازگشت به حضرت حق و عروج به ملکوت، لذا فرمود: «أَمَّا إِنِّي إِذَا كَانَ أَمْرُ وَإِيَّاكَ أَنْهَى» هان، تو را فرمان می‌دهم، و تو را نهی می‌کنم. این فرمان چه فرمانی است؟ فرمان نجات و رستگاری، و نهی از پستی و انحطاط. آری چه بسا دانشورانی بودند زبان زد آکادمیهای علمی و تحقیقاتی، ولی

از علمشان بهره ای جز خطوط و رسوم بر کاغذ و کتاب نیافتند، و عاقبة الامر، از حیات ابدی بازماندند.

از همه خوانندگان تقاضا می‌کنم به خصوص از دانشجویان عزیز، این کتاب پیش روی‌تان را چند بار بخوانید تا حاکم بر اندیشه های جهان شوید و از منظر راست قامتان تاریخ به شما نگریسته شود. هدف بنده در لابه لای درس‌های عقل اشراقی روشن می‌شود و امیدوارم خواب فضاوت کنید تا صورت اکبر خلقت یعنی (انسان)

از بین نرود. قم المقدسه. مهدی اجلدی ۹۱/۲/۱۵